

بررسی نقش عوامل محیطی در خلق فضاهای امن شهری در جهت کاهش جرائم و افزایش امنیت با استناد به رویکرد CPTED

علی حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی عمران، گرایش راه و ترابری، موسسه آموزش عالی صائب، ابهر، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علی حیدری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۶

چکیده

شهر محیطی است با گوناگونی بسیار، با امکانات کم یا بیشتر، پارک و بوستان ها، محله های پهن و باریک و با خیابان ها و گذرگاه های مختلف که فضای اجتماعی را به هم پیوند می زند. فضای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی برقرار می کند و در نتیجه نقش بسزایی در هویت بخشی و احساس آرامش و امنیت به شهروندان دارد. در این میان رشد بی رویه جمعیت در مناطق شهری باعث توجه به مفهوم امنیت شهروندان به عنوان یکی از اولویت ها توسط حرفه مندان و تئوری پردازان شهری تبدیل شده است. چند دهه ای است که بالا رفتن آمار وقوع جرم و جنایت در شهرها، حاکی از آن است که شهرها از عدم وجود برنامه ریزی های مناسب در زیرساخت های خود رنج می برند و بی شک، در صورت عدم مقابله با آن ها و چاره اندیشی های لازم، مشکلات فراوانی گریبان گیر این شهرها و ساکنین آنها خواهد بود. از این رو برای کاهش جرائم در فضاهای شهری، شناخت عوامل تاثیر گذار در بروز جرم و همچنین ارائه راهکارهای موثر در جلوگیری از آن، جهت بالا بردن امنیت در این فضاها امری ضروری خواهد بود. اگرچه نمی توان از نقش متغیرهای جامعه شناختی در بروز الگوهای ناهنجار رفتاری چشم پوشی کرد اما شناخت و بررسی نقش ویژگی های کالبدی و فضایی محیط مصنوع، به عنوان بستر وقوع رفتارهای ناهنجار، کمک شایانی در جهت کاهش وقوع این گونه رفتارهای آنومیک خواهد بود. جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه ریزی و طراحی محیط ها ی امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی نواحی سکونت، تبیین ویژگی ها و اثرات مترتب بر نقش کالبدی شهر بر کاهش جرایم و یا کاستن از وقوع جرم، موضوع مستقل و با اهمیتی است که در قالب تئوری های نوین شهر سازی بدان اشاره می شود. پژوهش حاضر قصد دارد با معرفی رویکرد CPTED، به عنوان یکی از روش های پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، به ارائه برخی راهکارهای عملی در طراحی و خلق فضاهای امن شهری بپردازیم. روش تحقیق پژوهش، تحلیلی و اسنادی است. نتایج پژوهش نشان از آن دارد که از طریق طراحی محیطی، می توان از میزان وقوع جرایم در فضاهای شهری تا حد قابل توجهی کاست.

واژگان کلیدی: امنیت، فضاهای عمومی امن، پیشگیری از جرم، رویکرد CPTED.

مقدمه

جرم یکی از ناهنجاری های اجتماعی است که بطور مستقیم با کیفیت زندگی شهروندان مرتبط است. این ناهنجاری در دوره های زمانی مختلف همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه علوم رفتاری، جامعه شناسان، روانشناسان و ... بوده است. از آنجا که وقوع هر نوع جرمی از یکسو نیازمند مکان و بستر محیطی مساعد است، لذا وجود برخی ویژگی ها در محیط های شهری، آنها را به مکان هایی جرم خیز بدل می کند. امنیت به معنای رهایی از ترس و تهدید، یکی از نیازهای اساسی انسان است. هر یک از ابعاد مختلف امنیت، موضوع کار رشته های مختلف بوده است. در ادبیات شهرسازی مفهوم امنیت به معنی امنیت شهری و امنیت در محیط شهر مطرح است [1]. در سال های اخیر رسالت شهرسازی در زمینه ارتقاء سطح امنیت بیشتر معطوف به چگونگی طراحی فضاها و برنامه ریزی مناسب کاربری های شهری بوده است. در این راستا می توان به رویکرد CPTED در طراحی و برنامه ریزی محیط و منظر شهری اشاره نمود که در تلاش است تا با رعایت استانداردهای ویژه ای در ساخت و سیمای محیط کالبدی، به ارتقا ایمنی در شهر و از آن راه احساس امنیت ساکنین آن کمک نماید. نکته مهم این است که مفهوم امنیت در هنگام ادراک، دارای ابعاد ذهنی و عینی می باشد، به گونه ای که با اعداد و ارقامی راجع به میزان وقوع جرم و جنایت واقعیت های موجود در این زمینه، که معمولاً بیان می شوند، همیشه در تطابق کامل با میزان احساس امنیت ساکنین (امری ذهنی و روانی) نمی باشد. احساس امنیت به عنوان امری ذهنی تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و روانی است. بنابراین به نظر می رسد که وظیفه شهرسازی تنها محدود به ارتقاء استانداردهای کالبدی برای افزایش ایمنی و امنیت نیست، بلکه رسالت شهرسازی برای ارتقاء سطح آسایش روانی شهروندان ایجاب می کند تا این دانش با مداخله مستقیم در فرآیند ادراک امنیت توسط ساکنین در جهت افزایش میزان احساس امنیت در آنها تلاش نماید [2].

بیان مسأله

امروزه موضوع امنیت شهری، یکی از مسائل مهم در شهرها می باشد عوامل متعددی در ایجاد شهر امن موثر می باشند. عوامل اجتماعی مانند فقر، بیکاری، ناهماهنگی اجتماعی، میزان بالای جمعیت جوان باعث ایجاد محیطی مستعد و در معرض جرم و ناهنجاری رفتاری می شود، اما فاکتورهای اجتماعی تنها عوامل و جنبه های تعیین کننده جرائم و ناهنجاری های اجتماعی نیستند، طرح و کالبد فیزیکی فضا، نقش مهمی در توسعه یا پیشگیری از جرم و ناهنجاری دارد. مقوله امنیت شهری از آن جهت اهمیتی مضاعف دارد که با نگاهی به رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشینی که اختلاط و در هم آمیزی بیشتر انسان ها را در ساختار شهر به همراه دارد، دریافت می شود که این مقوله ارتباط و پیوستگی نزدیکی با امنیت ملی و انسجام و همبستگی اقشار یک اجتماع در برابر تهدیدهای درونی و بیرونی در حال شکل گیری نسبت به آن سیستم دارد مردم در فضاهای شهری با انواع تهدیدها مانند جرم، تروریسم، آلودگی هوا و آب، زلزله و سیل، تداخل حرکت وسایل نقلیه و پیاده ها رو به رو هستند [2]. ازاینرو زوکیان در کتاب فرهنگ شهرها می گوید: فضاهای شهری به اندازه کافی برای مردم امن نیستند، تا آنها در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند. از آنجایی که فضاهای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی دارند می تواند نقش بسزایی در هویت بخشی و دادن احساس آرامش شهروندان داشته باشند عوامل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و...، امنیت را در مناطق مختلف با تغییراتی مواجه کرده است. وجود امنیت در محیط های شهری یکی از الزامات اساسی کیفیت زندگی محسوب می شود. در طرح نیازهای انسانی مازلو، امنیت از جمله نیازهای اولیه و مهم انسان است که ناتوانی در حصول آن باعث از دست دادن دیگر نیازهای انسان از جمله نیاز به تعلق، نیاز به حرمت و نیاز به خودشکوفایی است. امروزه امنیت شهری به عنوان یکی از مسائل مهم در مباحث مدیریت و ساماندهی شهری به ویژه در کلانشهرها مطرح است و ضرورت طراحی یک جامعه امن بر پایه های روابط و مناسبات سازگار نظیر؛ ارزش ها و ایده آل ها، واقعیت ها، منافع و... کاملاً احساس می شود [1]. صاحب نظران و اندیشمندان برای برقراری امنیت شهری، نظریه ها و طرح های مختلفی ارائه کرده اند. یکی از این نظریه ها که مورد پذیرش جامعه علمی نیز قرار گرفته است، رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است و معتقدند؛ از طریق طراحی محیط فیزیکی، می توان به پیشگیری و کاهش جرم پرداخت. این رویکرد را می توان، نوعی رویکرد هدفمند در جهت طراحی کارآمد و هوشمندانه مؤلفه های محیطی با به کارگیری بهینه محیط مصنوع در کاهش جرایم دانست که به طور مؤثری در افزایش سرمایه

اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و افزایش میزان رضایتمندی شهروندی و در نتیجه بهبود رفاه اجتماعی جامعه تأثیر به سزایی دارد. بر این موضوع اتفاق نظر جمعی وجود دارد که، رویکرد CPTED، در دو بعد کاهش حقیقی جرایم در محیط های شهری از یکسو و افزایش احساس ایمنی و امنیت فضایی در آنها، می تواند مؤثر واقع شود. وکرل و ایتزمن، برای افزایش ایمنی و امنیت در فضای شهری، سه عامل؛ آگاهی از محیط، قابلیت مشاهده توسط دیگران و دسترسی آسان به کمک در صورت نیاز را بیان می کنند. یکپارچه نمودن این مؤلفه های طراحی و برنامه ریزی، ایمنی و امنیت را با ارائه فرصت هایی برای رهایی از الگوهای مؤثر جرم افزایش می دهد. در فضای شهری امن، ایمنی در فضای شهری تأمین شده و فرد در شهر احساس امنیت خاطر و فقدان خطر می کند. در واقع پایه بحث شهر ایمن، بیشتر بر روی مسائلی متمرکز است که میزان خطرات را به حداقل برساند. بر همین اساس، هرگونه اقدام مداخلاتی در کالبد شهر نیز باید با توجه به راهبردهای این رویکرد صورت گیرد و بایستی بتوان با صفت امنیت از افزایش میزان جرایم شهری در محیط های شهری تا حد امکان جلوگیری به عمل آورد و یا حداقل آن را کاهش داد و شهری ایمن را برای شهروندان فراهم آورد [3]. از اینرو با توجه به اهداف پژوهش سؤالات ذیل مطرح می شود؛

- ۱) عوامل کالبدی مؤثر در ارتقای امنیت شهری کدام اند؟
- ۲) آیا می توان با تدوین و اتخاذ راهبرد CPTED در زمینه کالبدی، از وقوع جرم پیشگیری کرده و احساس امنیت شهروندان را ارتقا داد؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت و ضرورت امنیت در جامعه بر کسی پوشیده نیست و در هر جامعه، بعد از نیازهای اولیه، مانند آب و غذا رکن اصلی و اساسی برقراری امنیت و ثبات است. امروزه، با کثرت جمعیت شهری میزان جرائم به دلیل گستردگی شهر و... زیاد است؛ به همین دلیل، توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روش های ارتقای آن، یکی از اولویت های اساسی تئوری پردازان شهری شده است. از نظر اجتماعی و فرهنگی برنامه ریزی و طراحی محیط های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی نواحی شهری تأثیر می گذارد که جدا از این مساله، تبیین ویژگی ها و آثار ایمن برنامه ریزی بر نقش کالبدی شهر در کاهش جرائم شهری یا کاستن از وقوع جرم، موضوع مستقل و با اهمیتی است و در قالب تئوری های نوین معماری و شهرسازی بدان اشاره می شود در این بین، پارامترهای مختلف معماری و شهرسازی در کاهش یا افزایش جرائم شهری می توانند مؤثر باشند؛ باتوجه به ویژگی ها و الگوهای رویکرد پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی (CPTED) برای کاهش دادن میزان جرم، لزوم به کارگیری این تدابیر و الگوها در محدوده مطالعاتی برای کاهش وقوع جرائم شهری و احساس امنیت، امری ضروری است. همچنین می شود از نتایج این پژوهش برای تدوین ضمانت های اجرایی قانونی در اصول عملی طراحی بدون جرم استفاده کرد

پیشینه پژوهش

شناخت پژوهش های انجام گرفته در خصوص هر عنوان پژوهشی و تحلیل و ارزیابی آنها در سطوح مختلف و با معیارهای متنوع از ضروریات هر پژوهش علمی می باشند. بنابراین در خصوص رابطه با موضوع بررسی نقش امنیت بر پایه رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPTED) مطالعاتی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که هر یک از آنها به نحوه نگرش به نقش محیط در ساختار فضاهای شهری در راستای عوامل مؤثر بر ارتقای سطح امنیت به وسیله طراحی محیطی تأکید داشته اند که در ادامه به برخی از این آثار ارزشمند اشاره می گردد؛

الف) خارج کشور

(چو و همکاران^۱، ۲۰۱۹)، در پژوهشی که با هدف بررسی میزان روشنایی محیطی و نحوه طراحی معابر درون محله ای بر میزان امنیت ادراک شده ساکنان و فعالیت آنها در هنگام تاریکی انجام شده است، نشان داده اند فضاهایی بیشتر به منزله فضاهای جرم خیز مطرح اند که علاوه بر نداشتن نور و روشنایی کافی، هندسه نامنظمی دارند و ساکنان آنها از وجود گوشه های جرم خیز

¹ Cho et al.

و پنهان و معابر باریک و بدون دید به اطراف اعلام هراس بیشتری داشته اند. (کندو و همکاران^۲، ۲۰۱۸)، در مطالعه ای که با هدف بررسی ارتباط بین بزهکاری و خشونت در دو بازه زمانی قبل و بعد از بازطراحی انجام شده است، نشان داده اند نحوه طراحی محیط و اعمال مجموعه ای از مداخلات برای بازآفرینی فضاهای عمومی موجود می تواند تا حدود بسیار زیادی بر کاهش جرم خیزی محلات و افزایش ادراک ساکنان از امنیت محل سکونت خود اثرگذار باشد. (لی و همکاران^۳، ۲۰۱۶)، در مطالعه ای که با هدف بررسی تأثیر اقدامات کاهش جرم از طریق طراحی محیطی و زندگی فعال و ترس از وقوع جرم در شهر سئول کره انجام شده است، نشان داده اند روشنایی معابر و حفاظت و نگهداری نقش ویژه ای را در کاهش ترس از وقوع جرم دارند. این مطالعه بر تأثیر مثبت دیوارنگاری ها، نحوه کف سازی معابر، وجود پارک ها و فضاهای عمومی در کاهش جرم خیزی و در پی آن کاهش ترس از وقوع جرم اتفاق نظر دارد. (اقبال و سكاتو^۴، ۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان آیا CPTED برای محافظت از دارایی پارک ها مفید است؟ مورد مطالعه: استکهلم، سوئد به بررسی کارایی اصول CPTED در محافظت از دارایی پارک ها پرداختند. نتایج نشان می دهد که طراحی و مدیریت پارک بر شرایط ایمنی پارک تأثیر می گذارد، به ویژه اگر از اصول CPTED در طراحی آن استفاده شده باشد، میزان امنیت بسیار بالاتر است. سرانجام این پژوهش با استفاده از چندین نکته عمومی برگرفته از استفاده از اصول CPTED در ایمنی موجودی در پارک ها نتیجه گیری می کند. (فاستر و همکاران^۵، ۲۰۱۴)، نشان داده اند میزان بروز جرم و جنایت و ترس از جرم به طور بالقوه از محیط و نحوه طراحی جرم گریز یا جرم پذیر فضاهای عمومی تأثیر می پذیرد. این پژوهشگران همچنین میزان بروز جرم را به حضورپذیری و پیاده مداری محیط نیز ارتباط داده اند و نشان داده اند این دو فاکتور ارتباط معکوسی با یکدیگر دارند و محیط های کمتر پیاده مدار بستر وقوع جرم های بیشتری اند. (کوزن و ملن هورست^۶، ۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی ادراکات جامعه در زمینه پیشگیری از جرم و جنایت از طریق طراحی محیطی CPTED در بوتسوانا به بررسی این موضوع پرداختند که ادراکات یک جامعه جهان سومی به مانند جامعه بوتسوانا تا چه میزان با ادراکات جامعه غربی از CPTED همخوانی دارند. آن ها با توجه پرسش با پاسخ شوندهاگان به این نتیجه دست یافتند که در محدوده مورد مطالعه اگرچه کمتر از اصول CPTED استفاده شده است اما امنیت شخصی در سطح بالایی است. (هاروبین و فیپس^۷، ۲۰۱۴)، با استفاده از شاخص های پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی CPTED، امنیت محله های مختلف را برای بررسی مقایسه ای آنها سنجیده اند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داده اند به طور کلی میزان امنیت گزارش شده در محله های بافت های قدیمی تر در هر دو بازه زمانی روشنی و تاریکی بسیار پایین تر از بافت های جدیدتر بوده است که از دلایل آن ویژگی های محیطی و نحوه طراحی شهری این بافت ها بوده است. (تروپ و گمن^۸، ۲۰۱۳)، در پژوهشی تحت عنوان پیاده روی در پارک: بررسی اصلاح و ادغام اصول CPTED در بازسازی محله در سئول، کره جنوبی به بررسی به کار گیری اصول CPTED در بازسازی محله می پردازند. در محدوده مورد این پژوهش اصول CPTED از طریق یک رویکرد دارایی گرا اجرا شده است که محرک های چندگانه اجتماعی (نیازها و اهداف) را در راه مشکلات حل جرمی با یکدیگر ادغام می کند

ب) داخل کشور

(بهزادفر و همکاران، ۱۳۹۸)، در مطالعه ای که در بازه دهکده فرحزاد با استفاده از اصول CPTED انجام شده است، نشان داده اند قلمروگرایی و کنترل دسترسی در سطح ارزش گذاری محیط و حمایت از فعالیت ها، مدیریت و نگهداری و کنترل دسترسی در کاهش جرم خیزی فضای شهری تأثیری بالقوه دارند. (منتظرالحجه و همکاران، ۱۳۹۷)، در پژوهشی که درباره سنجش عوامل کالبدی مؤثر بر حس امنیت در فضاهای شهری از دیدگاه سالمندان انجام داده اند، با بررسی کیفیت های کالبدی مؤثر و سنجش میزان اثرگذاری آنها بر امنیت ادراک شده نشان داده اند ایمنی، نور و روشنایی و بافت شهری به ترتیب مهم ترین مؤلفه های کالبدی مؤثر بر احساس امنیت سالمندان در فضاهای شهری اند. (صادقیانی و همکاران، ۱۳۹۵)، در مطالعه ای که با

² Kondo et al

³ Lee et al.

⁴ Iqbal & Ceccato

⁵ Foster et al.

⁶ Cozens & Melenhorst

⁷ Horrobin & Phipps

⁸ Thorpe & Gamman

استفاده از نظریه CPTED بر معیارهای تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی در بافت های فرسوده انجام داده اند، نشان داده اند کیفیت های محیطی بر میزان امنیت محیط تأثیر بالقوه دارد و رویکرد بهره گیری از طراحی کالبدی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی یکی از مؤثرترین روش ها برای حفظ و ارتقای امنیت است. (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان سنجش میزان موفقیت طرح مرکز محله آخوند شهر قزوین در ارتقاء احساس امنیت محله، با استناد به رویکرد CPTED پیشنهاد می دهند که برای ارتقاء امنیت محله با توجه به رویکرد موردنظر ضمن حفظ ویژگی های بومی محله، کاربری طبقه همکف خانه ها به کاربری تجاری اختصاص یابد که ضمن حفظ حریم خانه ها، نظارت به مرکز محله از طریق کاربری های تجاری صورت گیرد. (ایزدی و حقی، ۱۳۹۴)، در مطالعه ای با هدف بررسی میزان امنیت فضاهای عمومی شهری در میدان امام شهر همدان، با تأکید بر نقش محیط در میزان امنیت ادراک شده، نشان دادند سه فاکتور پیاده مداری، زیبا یی شناسی و امنیت شبانه از مهمترین کیفیت های اثرگذار بر ادراک امنیت در محدوده مطالعه شده بوده اند. (خلقت دوست و همکاران، ۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان رابطه سازمان فضایی و نفوذپذیری شهر با میزان امنیت اجتماعی در شهروندان بر اساس مدل CPTED؛ مورد مطالعه: شهر کرج به این نتیجه دست یافتند که طراحی با استفاده از مدل CPTED و ملاحظات امنیتی در ساختمان ها و محله های مسکونی، ضمن کاهش فرصت اقدامات بزهکارانه و آسیب پذیری محیط، به ایجاد درک اجتماعی نیز یاری می رساند. (قائد رحمتی و شمسی، ۱۳۹۲)، در پژوهش خود با عنوان بررسی شاخص های طراحی محیطی در پیشگیری از جرم؛ مورد مطالعه: مجتمع های تجاری شهر یزد به این نتیجه رسیدند که در طراحی فضایی چه در سطح شهر و یا در حد کلان ساختمان، باید از طراحی فضا به گونه ای که امکان نظارت عمومی را کاهش دهد یا نحوه دسترسی به مناطق جرم خیز را افزایش دهد، جلوگیری شود. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰)، در پژوهش خود با عنوان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی مورد مطالعه: زنجان به این نتیجه رسیدند که معماری پیش گیرنده از جرم می بایست با سایر ملاحظات معمول شهرسازی و ساخت اماکن مسکونی از قبیل زیباسازی، صرفه جویی اقتصادی، رعایت حقوق و آزادی فردی، خلوت و حریم خصوصی افراد همخوانی و مطابقت داشته باشد

مروری بر ادبیات تحقیق

قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی تحقیق پرداخته شود، از جمله؛

مفهوم جرم^۹

دور کیم عقیده دارد جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از نظام، فرهن گردد و تا گ و تمدن هر اجتماع ناشی می زمانی که اجتماع و نظام آن باقی است، جرم نیز دارای خصوصیت دائمی خواهد بود و هر عملی که وجدان دار عمومی را جریحه کند جرم محسوب می شود به عبارت دیگر تمامی جوامع و گروه های انسانی دارای هنجارهای خاص خود هستند که با یک تداوم خاص و در مدت زمان طولانی، قوانینی وجود آمده که سرپیچی از آنها مستوجب مجازات است و تغییر در این هنجارها عنوان به جرم تلقی می شود جرم یکی از ناهنجاری های اجتماعی است که به طور مستقیم باکیفیت زندگی شهروندان ارتباط دارد. پژوهشگران حوزه علوم رفتاری، جامعه شناسان، روان شناسان و ... در دوره های زمانی مختلف همواره به این ناهنجاری توجه کرده اند [3]. وقوع هر نوع جرم، به مکان و بستر محیطی مساعد نیاز دارد؛ براین اساس، وجود برخی ویژگی ها در محیط های شهری آنها را به مکان هایی جرم خیز بدل می کند. تئوری های مطرح شده در زمینه تأثیر علی عوامل محیطی بر روی رفتارهای اجتماعی به دو بخش تقسیم می شود: یکی بر عوامل محیط طبیعی (آب و هوا، باد، دما، کوه و...) و دیگری بر عوامل محیط انسان ساخت و مصنوع، به ویژه محیط های شهری و تأثیر آن ها بر رفتار انسانی تأکید دارد. تاکنون تعاریف گوناگونی از جرم ارائه شده است و اندیشمندان حوزه های مختلف علوم، تعریف مختلفی از آن بیان کرده اند. همچنین، تعریف ایمن موضوع، مثل برخی از اصطلاحات دیگر از ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و قانونی جوامع تأثیر پذیرفته و به همین دلیل، تعریف های متفاوتی پیدا کرده است. در اینجا به تعریف حقوقدانان، جامعه شناسان و جرم شناسان اکتفا می کنیم: از نظر حقوق دانان، جرم «هرگونه عمل برخلاف تکالیف فرد نسبت به جامعه است که ارتکاب آن عقوبت و مجازات در پی دارد» [4]

امنیت و فضای شهری¹⁰

امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است. امنیت در مورد افراد به این معناست که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته به هیچ وجه حقوق ایشان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنها را تهدید نکند. لزوم و ضرورت امنیت در جامعه به این مفهوم، از طبیعت حقوق بشری ناشی می گردد و لازمه ی حقوق و آزادی های مشروع، مصونیت آنها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات امنیت است. مخاطره شامل هر نوع احتمالی است که منجر به نقض حقوق مشروع افراد می شود. در واقع امنیت عبارت است از: «جلوگیری از نقض و تعرض بالفعل» [5]. گاهی اوقات نیز امنیت در برابر احساس وحشت و خوف و خطر مطرح می شود. قرآن کریم نیز امنیت را از ویژگی مؤمنان بر می شمارد. همچنان که شهری که در آن امنیت باشد، از مثل الگوهای قرآنی است. تعاریف لغوی امنیت در فرهنگ های لغت عبارتند از: در امان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر، احساس آزادی از ترس، احساس ایمنی و رهایی از تهدید. ریشه امنیت در لغت از استیمان و ایمان و ایمنی و به مفهوم آرامش در برابر ترس، رعب و نگرانی است و امنیت یعنی در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستمر. ریشه لاتین امنیت واژه Secures می باشد که در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است. انسان در زندگی خود باید پاسخگوی مجموعه ای از نیازها باشد. این نیازها، همان گونه که مازلو می گوید، حالت کاملاً سلسله مراتبی دارند؛ یعنی پس از نیازهای فیزیولوژیک در قاعده هرم، نیاز به امنیت و پس از آن سایر نیازها قرار دارد [5].

نیاز انسان به امنیت

امنیت از دیرباز مهمترین دغدغه انسان ها بوده است. از زمان انسان های اولیه، امنیت به عنوان اساسی ترین رکن زندگی پس از آب و غذا مطرح بوده است. آبراهام مازلو - روانشناس انسان گرا - ضمن اولویت بندی نیازهای اساسی بشر به ترتیب اهمیت، بلافاصله پس از نیازهای فیزیولوژیک (شامل هوا، غذا، مسکن و پوشاک) نیاز به امنیت را در ردیف بعدی قرار داده و سایر نیازهای انسانی را علی رغم ضرورت غیرقابل انکار آنها در اولویت های بعدی تلقی می کند. زیرا اعتقاد بر این است که در غیاب امنیت و آرامش خاطر، چنین نیازهای انسانی، مفهوم و معنی پیدا نمی کند. مازلو معتقد است نیاز به امنیت، از دوره شیرخوارگی شروع می شود و در سرتاسر حیات آدمی نقش اساسی دارد و بر رفتارهایش تأثیر می گذارد. در سال های اولیه کودک نیاز به امنیت عاطفی دارد و سپس سایر نیازها را مثل نیاز به امنیت جانی، امنیت اخلاقی، امنیت مالی و ... را کسب می نماید. بنابراین اگر این نیاز در سطوح مختلف بنا به عللی پاسخ مثبت دریافت نکند، فرد را دچار تنش و اضطراب می کند. وی بیان می کند که یکی از نشانه های نیاز به امنیت در کودک آن است که وی آن نوع فعالیت های عادی و یکنواختی را ترجیح می دهد که آرامش او را بر هم نزنند [6]. رفتارهایی که برای کودک تهدید به شمار می آید باعث می شود که کودک دنیا را غیر قابل اعتماد و ناامن و غیر قابل پیش بینی محسوب کند. مازلو معتقد است که گستره نیاز به امنیت در بزرگسالان وسیع تر از آن چیزی است که تصور می رود؛ برای مثال گرایش مردم به داشتن دین که جهان و مردم آن را به شکل کلیتی معنی دار، منسجم و رضایت بخش سازمان دهد، تا حدودی به انگیزه امنیت طلبی مربوط می شود. به هر حال هر زمان که جامعه با هرج و مرج، آشفتگی، ظلم و بی قانونی روبه رو شود، مسأله نیاز به امنیت حتی در افراد بزرگسال به صورت یک نیاز اصلی و برجسته در می آید که برای رفع آن باید حرکت های اصلاحی را در سطح جامعه گسترش داد [7].

ویژگی های یک فضای امن شهری

به عنوان یک اصل کلیدی، برنامه ریزان شهری باید به این نکته توجه کنند که شهرها باید به گونه های ساخته شوند تا حداقل نیازهایی از این قبیل را تأمین کنند:

- _ افراد بتوانند ببینند و دیده شوند.
- _ بشنوند و شنیده شوند.

¹⁰ Security and urban space

– بتوانند کمک کنند یا فرار کنند و در نتیجه نباید در شهرها محلی برای تحریک جرم و نا امنی وجود داشته باشد و بالعکس باید همواره با مداخلات فیزیکی و اجتماعی محیط را منسجم و روح وحدت را در فضاهای عمومی شهری حاکم گردانید. بطور کلی برخی از ویژگی های یک فضای امن شهری را میتوان به شرح زیر بیان داشت:

– در یک فضای امن و راحت مردم تمایل دارند که یکدیگر را ببینند و آن فضا قابلیت اجتماعی شدن خواهد داشت.

– اتصالات به پیرامون آن فضا (دسترسی ها) راحت تر صورت می گیرد.

– مکان خوبی برای انجام یکسری از فعالیت ها می شود.

– آن فضا جذاب می شود و در اذهان باقی می ماند.

بطور کلی یکی از نشانه های اصلی یک فضای امن شهری رونق و حیات جاری در آن است. شایان یاد آوری است که حتی اداره های مربوط به تأمین امنیت از جمله پلیس نیز تأیید کرده اند که تأمین امنیت یک مکان پر رونق برای آنها بسیار راحت تر از یک مکان خالی از همان نوع است. در پروژه فضای امن، که در سال ۲۰۰۲ مطرح گردید، برای یک فضای امن چهار ویژگی تعیین شده است:

– بهره وری: مردم انتظار دارند از شرایط محیطی و امکانات یک فضا برای فعالیت های خود استفاده کنند. فضای خالی از فعالیت، نیاز به امنیت ندارد. اگر مردم در فضای اجتماعی، امنیت لازم را برای فعالیت های خود احساس نکنند، از حضور در فضاهای اجتماعی امتناع می ورزند.

– قابلیت دسترسی و ارتباط: یکی از معیارهای ارزیابی محیط امن، قابلیت دسترسی به امکانات موجود در آن است [8].

– راحت بودن و احساس آرامش: مردم ضمن آن که راحت بودن در فضا را مشاهده می کنند، باید تصور ذهنی خوشایندی از آن داشته باشند.

– داشتن روابط اجتماعی: مردم باید در روابط اجتماعی خود با دیگران در یک فضا احساس امنیت کنند و بتوانند در شبکه تعاملی فعال شوند. پیوند مفهوم شهر و جرم از زمانی که جامعه شناسی هویت علمی و مستقلى یافت همواره در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است. پارک و برگس در تبیین شیوع انحرافات و آسیب های اجتماعی شهر شیکاگو بر پدیده شهرنشینی متمرکز شده و بر زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه های سکونتگاهی و تراکم جمعیت تأکید ورزیده اند وجود چنین پتانسیل هایی در زندگی شهری موجب آن می شود که ساکنین شهرهای بزرگ در زمینه برخورد یا چگونگی مواجهه با جرائم پیشرو دچار نگرانی ها و ترس هایی باشند. در واقع پنداشت جرم به برداشت یا پنداشت شهروندان در خصوص وضعیت جرائم در شهر یا محل سکونت شان ارتباط می یابد. این چنین پنداشتی بر سایر ابعاد ذهنی شهروندان نیز تأثیر خواهد نهاد و باعث تقویت یا تعدیل آن چیزی خواهد شد که در جرم شناسی ترس از جرائم نامیده می شود. در دهه های گذشته این مفهوم اهمیت به سزایی یافته و تحقیقات مختلفی در زمینه سنجش آن انجام شده است. ارتباط بین شهر و جرم از آن روست که ویژگی های فضایی- محیطی می تواند پرورش دهنده جرائم خاصی باشد. نکته اساسی آن است که شرایط عینی و کالبدی زندگی شهری می تواند روابط شهروندان با شهر را محدود سازد [7]. ریشه این محدودسازی تعاملات با شهر نگرانی و ترس آنان از تعرض اعمال و رفتارهای مجرمانه است. شهروندان برای کاهش آسیب ها و ضررهای چنین تعرضی ترجیح می دهند تا حیطه بده بستان خود را با شهر محدود کنند. در این دیدگاه استدلال بر آن است که برخی فضاهای شهری به گونه ای است که زمینه ترس بیشتری را فراهم می آورند. عدم وجود نور کافی در خیابان، خوابیدن بی سرپناهان و معتادان در کنار خیابان و نبود پیاده رو در اتوبان ها از آن جمله اند. در سال ۱۹۷۲ اسکار نیومن نظریه فضای قابل دفاع را به عنوان ابزاری جهت کاهش جرم در نواحی شهری ارائه داد. او معتقد بود که فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آنها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورند پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می آورند. از این رو برای مثال استدلال می شود که نرده ها و پرچین ها می توانند به عنوان موانع فیزیکی تلقی شوند و وجود نشانه های دیده بان محله ای حاکی از نظارت مردم بر همدیگر و مواظبت از یکدیگر باشد [9].

مکان و جرم^{۱۱}

از دیر باز شناسایی عوامل محیطی و مکانی بروز جرم و سعی در از بین بردن این عوامل و یا کاهش تأثیرات آن مهمترین راهکار افزایش ایمنی و پیشگیری از وقوع ناهنجاری ها شناخته شده است، چرا که ناهنجاری های اجتماعی به هر نحو که از انسان سر بزند دارای بستر و ظرف مکانی و زمانی است که این رفتارها را از یکدیگر متمایز می سازد. از این رو تفاوت در ساختار مکانی و خصوصیات رفتاری افراد در کنار عامل زمان موجب شکل گیری الگوهای فضایی، زمانی متفاوت جرایم در واحد مکان می گردد. بررسی ها نشان می دهد که برخی از فضاهای شهری به دلیل ویژگی های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شان، میزان یا نرخ بزهکاری بیشتری دارند؛ و به عکس، برخی از فضاها مانع و بازدارنده ارتکاب جرایم در درون خود هستند [9]. از طرفی نیز به تحقیق ثابت شده است که مجرمان در ارتکاب جرم اغلب دست به انتخاب های منطقی می زنند و به دنبال ساده ترین، کم خطرترین و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی و زمانی برای ارتکاب جرم هستند. آنچه مسلم می نماید، این است که تمامی رفتارهای بشری در مقطع مکانی و زمانی خاصی رخ می دهند. از جمله این رفتارها کج روی های اجتماعی است که در بستر مکانی و زمانی منحصر به فرد شکل می گیرد. نکته در خور اهمیت اینکه توزیع جغرافیایی جرایم تحت تأثیر متغیرهای محل و زمان وقوع بزه، مرتکب جرم و قربانی بزه قرار دارد. تحقیقات نشان می دهد که در برخی از مکان های شهر به علت ساختار کالبدی ویژه و مشخصه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان و استفاده کنندگان این مکان ها، امکان و فرصت بزهکاری بیشتر است؛ و به عکس، در برخی از محدوده های شهری به دلیل وجود موانع و شرایط بازدارنده میزان بزهکاری اندک است. هر جرم دارای ظرف مکانی و زمانی منحصر به فردی است که آن را از دیگر رفتارها متمایز می سازد و باعث می شود تا رفتار مجرمانه در واحد مکان، توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد. برخی مکان ها به لحاظ ساختار کالبدی خاص، نوع فعالیت و ویژگی های اقتصادی و اجتماعی ساکنین آن، امکان و فرصت بیشتری را برای وقوع جرم فراهم می کنند و مجرمان انگیزه دار را که بر اساس انتخاب عقلانی به دنبال کم خطرترین و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه می باشند به سوی خود جذب می نمایند. توجه به مکان، به عنوان عامل بی واسطه در وقوع جرم، در مقایسه با عوامل فردی یا ساختاری این امکان را محقق می سازد تا راهکارهای عملی تری برای پیشگیری از جرم ارائه گردد. از سوی دیگر تحلیل فضایی جرم در شهرها به شناسایی الگوهای رفتار مجرمانه، کشف کانون های جرم خیز و در نهایت به تغییر این شرایط و خلق فضاهای مقاوم در برابر جرم و رفع ناهنجاری های شهری کمک می کند. از این رو بررسی های مکانی از اهمیت بسزایی در مطالعه ی جرم برخوردار بوده و ضرورت بررسی موضوع را دوچندان می نماید [9]

رویکرد های نظری به امنیت در فضا

دو رویکرد عمده در جلوگیری از جرم و جنایت وجود دارد: نخست رویکرد غیرمکانی است که همراه با تغییر موقعیت، حذف یا کم کردن انگیزه افراد برای ارتکاب جرم است. این عمل از طریق آموزش، هدایت اخلاقی، وضع کردن جرائم و تنبیهات صورت می گیرد. نظریه پردازان این رویکرد مانند ویلس و نوماری در زمینه های علوم انسانی تخصص داشته اند. راه دوم، رویکرد مکانی است، به شکلی که تکنیک های خاصی به کار زده شود که ارتکاب جنایت را در مکان های خاص مشکل تر سازد. نظریه پردازان این رویکرد راکسانی تشکیل می دهند که مانند وود، آنجل، نیومن و هیلیر در زمینه معماری و طراحی شهری فعالیت داشته و یا این که مانند جیکوبز بر اساس تجربیات خود در این زمینه اظهار نظر نموده اند. درباره این که چه راهی از همه مؤثرتر است، بحثی طولانی وجود دارد [10]. بنا به تئوری، راهبرد تقلیل انگیزه برای حمله در ارجحیت قرار دارد. اما از آنجا که انجام این امر مشکل است، راهکارهای تقلیل فرصت برای ارتکاب جرم عملی تر به نظر می رسد. طراحی می تواند بر میزان ارتکاب جنایت اثر بگذارد یا دریافت ذهنی ما از مسئله امنیت را بالا ببرد. در عین حال می تواند برای ایجاد محیطی امن تر زمینه ساز باشد. توجه اصلی رویکرد مکانی به فرصت ارتکاب جرم است. همان طور که کلارک در کتاب خود توضیح می دهد، رویکرد پیشگیری از جرم مکانی به تغییرات محیطی می پردازد که موجبات کاهش فرصت ارتکاب جرم را فراهم سازد. بنابر این می توان گفت این رویکرد بیشتر بر زمینه ارتکاب جرم تأکید دارد تا عمل جرم. بر این اساس به نظر می رسد که لازم نیست دقیقاً آنچه موجب انگیزش

¹¹ Location and crime

افراد در جهت ارتکاب جرم می شود، شناسایی گردد، بلکه تنها کافی است تشخیص داده شود در برخی افراد انگیزه هایی برای ارتکاب جرم وجود دارد. این رویکرد در واقع، زمینه های اجتماعی، فیزیکی و روانشناختی ارتکاب جرم را شناسایی کرده و چهار نوع راهبرد برای کاهش فرصت ارتکاب جرم ارائه می دهد: [10]

۱- افزایش امکان مشاهده جرم و جنایت

۲- افزایش خطر ارتکاب جرم

۳- کاهش منفعت های ارتکاب جرم

۴- از بین بردن بهانه های ارتکاب جرم

متد های تقلیل فرصت در حیطه ادبیات طراحی شهری است و شامل موضوعاتی چون عملکرد، نظارت، تعریف محدوده و کنترل محیط می شود. این اندیشه نخستین بار توسط جین جیکوبز (۱۹۶۱) عنوان شد و سپس با ایده های مربوط به طراحی فضاهای قابل دفاع نیومن و شیوه های برخورد طراحی فضاها با ایده تقلیل جنایت در آنها (CPTED) گسترش یافت. دیدگاه بیل هیلیر نیز در مورد جرم و جنایت و حفظ امنیت با ایده های جیکوبز پیوند می خورد. از دیگر اندیشمندانی که در این خصوص اظهار نظر نموده اند می توان آلیس کولمن، تایلور و هال، سورکین، آک و تیسدل و لوکایتو سایدريس و بنرجی را نام برد. آلیس کولمن، پیشنهادهایی در راستای افزایش نظارت ساکنان و عدم امکان فرار مجرمان ارائه می دهد. تایلور و هال بر شیوه هایی در تأمین امنیت تأکید دارند که فضا را تحت کنترل ساکنان جلوه داده و از ورود افراد مزاحم جلوگیری نماید. از نظر سورکین، جدا کردن طبقات اجتماعی از یکدیگر می تواند در برقراری امنیت مفید واقع شود. آک و تیسدل بر موانع فیزیکی و حضور مردم و نظارت پلیس تأکید دارند و لوکایتو سایدريس و بنرجی نیز دو نوع کنترل فضا که شامل کنترل فعال و کنترل غیرفعال می شود را مطرح می کنند. در جدول شماره (۱)، نظرات این اندیشمندان که در خصوص ارائه متدهای تقلیل فرصت ارتکاب جرم فعالیت نموده اند، به طور خلاصه آورده شده و امکان مقایسه این نظریات فراهم آمده است [11]. یکی از مؤثرترین رویکرد های موجود در زمینه پیشگیری از جرائم شهری و کاهش میزان جرائم در فضاهای شهری، نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» یا همان CPTED است. این نظریه نسبت به نظریات دیگر اندیشمندان متأخرتر بوده و می توان گفت از نظریات آنها بهره جسته و به نوعی تکامل یافته و اصول مناسبی را در پیشگیری از وقوع جرم و برقراری امنیت ارائه داده است که شرایطی را از طریق طراحی محیطی فراهم می کند که منجر به بهبود کیفیت فضا و افزایش حضور مردم در عرصه های عمومی شده، موجب تقویت همبستگی اجتماعی و حس تعلق می شود. از این رو اصول این رویکرد مبنای سنجش میزان امنیت کالبد فضاهای شهری در پژوهش حاضر قرار گرفته است.

جدول شماره (۱): نگرش های مختلف به برقراری امنیت در فضا

پارامترهای مؤثر در امنیت و موارد مطرح شده مربوط به هر کدام			اندیشمندان و نظریه پردازان
فعالیت	نظارت	کنترل فضا/ قلمروگرایی	
- نیاز به پیاده رو برای پایش و حضور فعال مردم در آن.	- نیازمند به «چشمانی بر فراز خیابان». - ایجاد تنوعی از فعالیت ها و عملکرد هایی که به طور طبیعی مکان ها را پرجمعیت می کنند.	- مشخص نمودن سر حد بین فضای عمومی و خصوصی.	جین جیکوبز ^{۱۲}

اسکار نیومن ^{۱۳}	- ظرفیت محیط کالبدی برای ایجاد محله ای درک شده مناطق از اثر قلمرو (شامل سازوکار علامت گذاری مرزها و تعریف یک سلسله مراتب که به سمت مناطق خصوصی شدت می یابد).	- ظرفیت طراحی کالبدی برای ایجاد فرصت های نظارتی بر روی ساکنان و عوامل آنها.	- نپذیرفتن استدلال هایی که اکثر فعالیت ها را در خیابان داشته و وجود استفاده تجاری که ضرورتاً بزهکاری خیابانی را کاهش میدهد.
CPTED ^{۱۴}	- کنترل دسترسی طبیعی. - راهبردهای طراحی کالبدی در ایجاد و توسعه مرزهای نمادین به منظور افزایش حس تعلق کاربران.	- نظارت طبیعی به عنوان نتیجه ای در استفاده روزمره از ملک.	- توزیع فعالیت ها و کاهش جابه جایی ها.
بیل هلییر ^{۱۵}	- فضاهای مجتمع با دیگر فضاها، به منظور ترغیب افراد پیاده نسبت به مشاهده این فضاها و حرکت در آنها.	- ایجاد نظارت توسط افرادی که در فضا حرکت می کنند.	- به طور پیوسته در حال کار و استفاده بودن فضاها. - به عنوان مثال، علامت گذاری بهتر و یکپارچه تر آنها در خصوص سیستم جابه جایی.
سورکین ^{۱۶}	- شیوه های جداسازی طبقات اجتماعی از هم را پیشنهاد می کند.		
اک و تیسدل ^{۱۷}	- شیوه ایجاد قلعه و محصوریت، که شامل شیوه های احداث دیوار، مانع، دروازه، جدایی فیزیکی، خصوصی سازی، کنترل محدوده و حوزه و راهبردهای جداسازی است.	- شیوه نظارت پلیس.	- شیوه نمایشی یا حضور مردم از طریق فعالیت های جاذب.
لوکایتو سایدريس و بنرجی ^{۱۸}	- کنترل شدید (فعال) که مأموران امنیتی خصوصی را به کار می گیرد و اقداماتی از این دست. - کنترل نرم یا (غیرفعال) از طریق عدم تشویق عملکردهای ناخواسته.		
الیزابت وود ^{۱۹}	- بهبود نمای ساختمان ها در نظر ساکنان.	- حضور و نظارت خود ساکنان.	

¹³ Oscar Newman¹⁴ Crime Prevention Through Environmental Design¹⁵ Bill Hillier¹⁶ Sourkin¹⁷ Steven Tiesdell¹⁸ Banerjee and Loukaito-Sideris¹⁹ Elizabeth Wood

اسکالمو آنجل ^{۲۰}	- مشخص کردن حدود مالکیت	- هدایت کردن عبور و مرور سردرگم در مسیرهای مشخص. - تقسیم کردن مراکز تجاری در مناطقی که عبور و مرور توده مردم زیاد است.
آلیس کولمن ^{۲۱}	- تجزیه راهروهای متداوم در جهت عدم امکان فرار. - نظام اجاره داری مقامات محلی باید راه را برای سایر اشکال اجاره داری باز کند.	- مخالفت با بلوک های آپارتمانی مسکونی مرتفع و عمومی.
تایلور و هال ^{۲۲}	- استفاده از موانع فیزیکی مثل دیوار و نرده یا بوته های گیاهی و قفل و رنگ به منظور جلوگیری از ورود افراد مشکوک.	- ایجاد شرایط کالبدی مناسب برای استفاده کنندگان از فضاهای شهری به منظور توانمند کردن آنان در مشاهده مجربان و افراد.
		- تشویق و ترغیب شهروندان برای استفاده هرچه بیشتر از فضاهای ایجاد شده شهری.

رویکرد پیشگیری از جرم توسط طراحی محیط (CPTED)

پیشگیری از جرم توسط طراحی محیط، مشهورترین رویکرد در کاهش فرصت های وقوع جرم است. این رویکرد با بهره گیری از ایده های "اختلاط کاربری"^{۲۳} در شهر و "چشم ناظر بر خیابان"^{۲۴} که در سال ۱۹۶۱ در کتاب تأثیرگذار "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی" جین جکوبز مطرح شده بود، آغاز شد. جکوبز معتقد بود که شکل جدید شهرها بسیاری از کنترل های طبیعی بر رفتارهای مجرمانه را مخدوش کرده است. بر اساس نظریه چشم ناظر بر خیابان، برای نظارت و مراقبت از خیابان، چشمان کسانی که می توان آنها را مالکین طبیعی خیابان نامید یعنی همان ساکنان، لازم است. بنابر نظریات او خیابان موفق دربرگیرنده سه کیفیت اصلی است؛ مرزبندی روشن بین فضای عمومی و خصوصی، چشم های ناظر بر خیابان و استفاده مداوم از پیاده راه ها. عبارت CPTED اولین بار در سال ۱۹۷۱ توسط جفری^{۲۵}، جرم شناسی از دانشگاه ایالت فلوریدا با انتشار کتابش به همین نام، به کار برده شد. کار او بر اساس احکام روان شناسی تجربی و مبتنی بر این ایده بود که با حذف تقویت کننده های بروز جرم، جرم بوقوع نمی پیوندد. همزمان با کار نظری جفری، مطالعات عملی اسکار نیومن در اواخر سال ۱۹۷۰، انجام گرفت [12]. او در کتابش با نام "فضای قابل دفاع: مردم و طراحی در شهرهای جرم خیز"، نظریاتش را براساس آمارهای دقیق در خصوص میزان جرم گزارش شده در محیط های مسکونی با فرم فیزیکی متفاوت مشتمل بر خانه های ردیفی دو طبقه تا بلوک های ۳۶ طبقه آپارتمانی در نیویورک بنا نهاد. فضای قابل دفاع، ایده اصلی نیومن، مشتمل بر چهار عنصر اصلی است: قلمروبندی^{۲۶}، نظارت^{۲۷}، بهبود کیفیت محیط^{۲۸} و مجاورت کاربری مسکونی با دیگر امکانات مورد نیاز مردم. نظریه فضای قابل

²⁰ schlomo angel²¹ Alice kolman²² Tailor&hall²³ Mixed-use²⁴ Eyes on the Street²⁵ C. Ray Jeffery²⁶ Territoriality²⁷ Surveillance²⁸ Building Image

دفاع، شامل دو بخش اصلی است؛ اول اینکه این فضا باید به ساکنین اجازه دیدن و دیده شدن داده و با اطمینان از مشاهده، شناسایی و در نهایت توقیف خلافکار، ترس از جرم در آنها کاهش یابد. دوم این که ساکنین باید بدلیل وجود حس مالکیت و علاقه به محیط زندگی شان وقتی که جرمی اتفاق می افتد، خود مایل به دخالت و گزارش به پلیس باشند. وقتی که مردم در محله خود احساس امنیت کنند، احتمال ایجاد روابط اجتماعی در میان آنها و دخالت ایشان در هنگام وقوع جرم افزایش می یابد. ویلسون و کلینگ در سال ۱۹۸۲ نظریه معروف خود را با عنوان "پنجره های شکسته"^{۲۹} درباره تأثیر منظر فاقد نظم و آثار ناشی از بی توجهی ساکنین به ساختمان ها و فضاهای محله خود روی رفتار خلافکاران، ارائه کردند. تأکید آنها بر نقش حیاتی نگهداری از محیط بعنوان شاخص فیزیکی سطوح همبستگی اجتماعی و کنترل غیررسمی ساکنین بود. در سال ۱۹۹۶، سازمان مسکن و توسعه شهری واشینگتن از نیومن خواست که رساله ای در ادامه و برای اصلاح کار قبلی اش، با عنوان "خلق فضای قابل دفاع"^{۳۰} بنویسد. او در کتاب خلق فضای قابل دفاع خود تأثیر گونه های مسکن بر توانایی ساکنان در کنترل محیط را مورد بررسی قرار داد. او این کار را از طریق تقسیم بندی گونه های مختلف مسکن در سه گونه خانه های تک-واحدی، خانه های ۲ تا ۳ طبقه یا همان باغ آپارتمان ها و بلند مرتبه ها انجام داد. او با مقایسه این گونه ها به این نتیجه رسید که هرچه کاربران یک فضای جمعی بیشتر باشد، برای ساکنان دشوارتر است که آن فضا را به عنوان قلمرو خود شناخته و یا حقی در کنترل یا شکل دادن فعالیتی خاص در آن برای خود قائل باشند. تا جایی که استفاده کنندگان، هیچ کاربرد مفید دیگری غیر از راه رفتن در آن فضا نمی یابند و دستیابی به آن برای افراد غریبه راحت تر می شود. بنابراین بلوک های شهری متشکل از خانه های تک واحدی کمترین میزان فضای غیرقابل دفاع را پیرامون خود ایجاد کرده، سپس باغ آپارتمان ها قرار دارند و بلند مرتبه ها بخصوص اگر به افراد با سطح درآمد کم تعلق داشته باشند، بیشترین میزان فضای غیرقابل دفاع را بوجود می آورند [13]. در همین سال، اولین سازمان بین المللی برای حرفه ای کردن تجربیات CPTED و توسعه این نظریه با نام انجمن بین المللی ICA^{۳۱} (CPTED) و به سرپرستی گرگوری ساویل^{۳۲} شکل گرفت که در سراسر جهان از جمله ایالت فلوریدا، بریتانیا، انتاریو، اروپا و امریکای لاتین فعالیت می کرد. رویکرد CPTED عمدتاً بر اصلاحات فیزیکی محیط مصنوع متمرکز بود و به جنبه های روانی و اجتماعی محیط، کمتر توجه داشت. از این رو در سال ۱۹۹۷، گروهی از متفکرین پس از نقد آنچه تا کنون نظریه پردازان رویکرد CPTED به آن معتقد بودند در مورد کم توجهی ایشان به نظریه "چشمان ناظر بر خیابان" جکوبز، این اصل را پایه کار خود قرار داده و به جنبه های روانی و اجتماعی محیط، توجه ویژه ای نمودند. این افراد رویکرد خود را نسل دوم CPTED و رویکرد پیشین را نسل اول CPTED نامیدند. به عقیده ساویل و کلوند، از نقطه نظر نیومن، صرفاً طراحی فیزیکی یک مکان حائز اهمیت است. به گفته نیومن، مردم محلی می توانند محیط عمومی متعلق به خود را کنترل کرده و نسبت به آن مسئولیت پذیر باشند. در واقع ایده اصلی نهفته در این جمله، این است که ساختار فیزیکی بر ارتباطات اجتماعی بین مردم، فرهنگ محلی و اکولوژی اجتماعی بین محلات، مؤثر است. گردآوردن افراد با یک هدف مشترک برای ایجاد احساس مکان در آنها و آگاه شدن خلافکاران احتمالی از وجود مجازات در برابر ارتکاب جرم، همان چیزی است که فرصت های جرم را کاهش می دهد. گرگوری ساویل از گروه مشاور آلترنیشن^{۳۳} و رئیس سابق انجمن بین المللی CPTED، در سال ۲۰۰۰ اقدام اولیه ای را برای آزمودن مدل امنیت گسترده که بر اساس برنامه هایی چون CPTED، منظر شهری ایمن و پیشگیری از جرم موقعیتی ایجاد شده بود، انجام داد. بر اساس این مدل، وظیفه ایجاد و پایدار نگهداشتن امنیت در محلات به ساکنین آن محله واگذار می شود که با کمک متخصصین به این مهم دست یابند [14].

²⁹ Broken Windows³⁰ Creating Defensible Space³¹ International CPTED Association (ICA)³² Gregory Saville³³ AlterNation

پیشینه رویکرد پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی

پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی، با تنفر عمیق جفری (۱۹۷۷، ۱۹۷۱) از بی اثری سیستم قضایی در پیش گیری جرم و با تحقیقات او برای یک نظریه جدید برپایه ارتباط میان انسان و محیط رشد یافت. وی از نخستین بنیانگذاران پیش گیری جرم از طریق طراحی محیطی بود که از آن به عنوان "عصر جدیدی در اندیشه های جرم و جرم شناسی که بر شرایط و احوال یک جرم بیشتر از مجرم توجه می کند" یاد کرده است. هدف آن کاهش فرصت ها برای جرم از طریق به کارگیری ترکیب های طراحی فیزیکی است که مانع وقوع جرم هستند و به طور خلاصه، ایجاد محیط دفاعی با نظر به ترکیب دو جنبه فیزیکی و روانشناسی به طور همزمان، جوهر و اساس مفهوم پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی را تشکیل می دهد. انجمن بین المللی ۲۰۰۵ ICA (CPTED) نیز آن را استفاده هوشمندانه از فضای ساخته شده در جلوگیری از جرایم در فرایند طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع تعریف می کند. طبق تعاریف فوق، براین موضوع اتفاق نظر وجود دارد که رویکرد CPTED در دو بعد کاهش حقیقی جرایم در محیط های شهری از یک سو و افزایش احساس ایمنی و امنیت فضایی در آنها، می تواند مؤثر واقع شود [15].

جدول شماره (۲). پیشینه رویکرد پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی

پیشینه و سوابق رویکرد در آرای اندیشمندان و صاحب نظران شهری		
• نیاز به خیابانهای امن شهری • جداسازی و تشخیص مکان های عمومی و خصوصی • تنوع کاربری ها و اختط آن ها در سطح شهر • استفاده مؤثر و بازدارنده از حضور عابران پیاده در مناطق شهری برای کاهش احتمال وقوع جرم • تأکید بر اهمیت محیط کالبدی برای پیشگیری از جرم	• الیزابت وود • جین جیکوبز در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی • اسکالمو آنجل در کتاب تضعیف جرم توسط طراحی شهری	دهه ۱۹۶۰ میلادی
• کاهش پتانسیل طبیعی جرم خیزی مناطق شهری • شفافیت و در معرض دید قرار گرفتن فضاهای عمومی • تشویق مردم به گزارش و برخورد با تخلفات و جرایم • شهروند باید ببیند و دیده شود	• رای جفری در کتاب جلوگیری از جرایم شهری با طراحی محیطی • اسکار نیومن در کتاب فضاهای قابل دفاع	دهه ۱۹۷۰ میلادی
• ارائه نظریه پنجره های شکسته (پنجره های شکسته هستند که فرصت را برای ارتکاب و احتمال وقوع جرائم در سطح شهر فراهم می کنند). • تأکید بر اهمیت حیاتی نگهداری محیط به عنوان شاخص فیزیکی برای سطوح همبستگی اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی. • اشاره به نابسامانی طراحی محیط مصنوع • اشاره بر ناکارآمدی قوانین و استانداردهای طراحی شهری و معماری • نقش موانع طبیعی و بازدارنده های موقعیتی در کاهش فرصت دهی برای تجاوزات و جرائم شهری	• جرج کلینگ و ویلسون • پل براتینگهام در کتاب جرم شناسی شهری	دهه ۱۹۸۰ میلادی
• ارائه راهبردهای رویکرد CPTED • تأکید بر طراحی مناسب و استفاده مؤثر از ساخت محیط در جهت کاهش جرم و ترس از جرم	• تیم کرو	دهه ۲۰۰۰ و ۱۹۹۰ میلادی

اهداف جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی CPTED

اهداف جلوگیری از جرائم و احساس امنیت اجتماعی از طریق طراحی محیطی به قرار زیر است:

جدول شماره (۳): اهداف جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی CPTED، منبع؛ نگارنده.

فهرست		اهداف
کاهش جرائم شهری	تداوم امنیت در محیط شهری	
کاهش توان جرم خیزی مناطق شهری	افزایش رفاه اجتماعی در محیط شهری	
بهبود کیفیت زندگی	افزایش فعالیت های اجتماعی	
افزایش رضایتمندی شهروندان	افزایش فعالیت های اقتصادی	
تشویق طبقات اجتماعی به حضور در شهر	افزایش میزان همکاری محله ای و مشارکت	

فولدر سال (۱۳۷۰) نیز در مطالعات خود تحت عنوان "ساخت شهرهایی که کار می کنند" بر نقشی که محیط کالبدی در اوضاع شهر و امنیت در شهر دارد تأکید می نماید. وی بیان می کند که: تنوع کالبدی محیط، گونه های مختلف گروه های استفاده کنندگان خیابان را ایجاد می کند، این گروه ها بخش های مهم یک زندگی سالم اجتماعی همگانی هستند و یک زندگی اجتماعی همگانی سالم دارای مجرمین کم تر و فرصت های ارتکاب جرم کمتر است. فولر درخصوص تحقیقی در تورنتو توضیح می دهد که از ساکنان چند ناحیه با کالبد متفاوت درخصوص احساس امنیت در شهر سؤال شده بود. ساکنانی که بیشتر احساس عدم امنیت می کردند. در واحدهای همسایگی ای ساکن بودند که ساختمان های دارای قدمت یکسان بوده و سکونت کاربری اصلی آن ها محسوب می شده است و توسعه های بلند مرتبه در آن ها صورت گرفته است. وی در ادامه توضیح می دهد که: همان طور که جین جیکوبز نیز اذعان داشت، مردمی که در نواحی ای با کالبد متنوع زندگی می کنند یعنی جایی که تنوع بالا و کاربری های مختلط وجود دارد، طول بلوک ها کوتاه هستند و ساختمان های جدید و قدیم در کنار یکدیگر قرار دارند، بیشتر احساس امنیت وجود دارد [16].

معیارهای کالبدی تأثیرگذار در کاهش جرم خیزی فضا براساس رویکرد CPTED

- نمایانی و نظارت پذیر بوده فضا
- کیفیت محیطی است که بر اساس آن فضاهایی که احتمال وقوع جرم در آن ها بیشتر است باید در معرض دید ساکنین قرار گیرند. برای رسیده به این کیفیت مهمترین عامل در طراحی چگونگی قرارگیری ساختمان ها و فضاهای فعالیتی نسبت به فضاهای جرم خیز است.
- فضاهای قابل دفاع
- نظریه فضاهای قابل دفاع برای اولین بار توسط نیومن مطرح شد. این نظریه در ۳۵ سال گذشته مورد نقد و تکامل قرار گرفته و امروزه میزان ارتباط فضاها با فعالیت های معمول روزانه مهمترین موضوع از تحقیقات مربوط به این حوزه می باشد. طراحی محیطی با چیدمان مناسب فعالیت های روزانه و همچنین در دسترس نمودن فضا و... می تواند در این زمینه به مداخله بپردازد.
- خوانایی و نفوذپذیری فضا
- خوانایی و نفوذپذیری محیط های شهری باعث میشود تا افراد به راحتی جهت حرکت خود را انتخاب نمایند و در این محیط سردرگم نشوند. به این ترتیب از یک طرف زمینه اتلاف وقت و بیهوده گردی مجرمان در محیط برداشته می شود و از طرف دیگر ساکنین و عابرین کمتر در معرض خطر قرارگیری در فضاهای غیرقابل دفاع قرار می گیرند شکل L، U، در اینجا بسیار مهم است. توجه به کنج ها، فضاهای کم سطوح مورد توجه. این فضاها باید به گونه ای طراحی شوند که فضا قابل روئت باشد [17].

استراتژی رویکرد CPTED در ارتباط با طراحی محیطی در جهت کاهش جرم

رفتارهای خلاف نشان می دهد که تصمیم گیری برای انجام دادن یا ندادن کار خلاف بیشتر تحت تاثیر حس پذیرفتن و ریسک به دام افتادن می باشد تا حس آسودگی ناشی از آزادی بر پایه این نتایج CPTED از استراتژی های اتخاذ شده خود را بر پایه افزایش ریسک تفتیش و دستگیری استوار ساخته است. استراتژی CPTED در ارتباط با طراحی در جهت کاهش جرم شامل موارد زیر است:

جدول شماره (۴): استراتژی رویکرد CPTED در ارتباط با طراحی محیطی در جهت کاهش جرم

فهرست	استراتژی رویکرد CPTED
۱. قلمرو	
۲. نظارت طبیعی	
۳. روشنایی	
۴. منظر سازی	
۵. امنیت فیزیکی	
۶. کنترل دسترسی	
۷. فعالیت پیتیبانی	
۸. نگهداری	

قلمرو بندی^{۳۴}

به عقیده ی ایروین آلتمن^{۳۵}: قلمروگرایی ساز و کاری برای فراهم آوردن خلوت است. «رفتار قلمروگرایی سازوکاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی سازی یا نشانه گذاری یک مکان یا شیء و تعلق آن به یک فرد یا یک گروه بیان می شود». نمونه قلمروگرایی را می توان به شرح ذیل مطرح نمود: ممانعت از ورود افراد ناشناس و متفرقه به مجتمع های مسکونی اداری و... توسط بخش های نگهبانی، قرارداده موانع در ورودی فضاهای مختلف شهری، نصب موانع برای جلوگیری از ورود وسیله نقلیه، حصارکشی زمین یا حیاط ها یا مسیرهای مختلف، نصب پلاک ها تابلو، نصب سیستم های مدار بسته و مانیتورینگ فضاهای عمومی و خصوصی شهری. این تعاریف بعضی از ویژگی های اصلی قلمروگرایی را پیشنهاد می کنند:

- (۱) احساس مالکیت و حق انسان نسبت به یک مکان.
 - (۲) شخصی سازی و نشانه گذاری یک محوطه.
 - (۳) حق دفاع در مقابل مزاحمت.
 - (۴) تأمین کارکردهایی که نیازهای فیزیولوژیک تا نیازهای شناختی را شامل می شود
- راهبردهای زیر می تواند در بالابردن حس قلمروگرایی ساکنان مؤثر باشد:
- (۱) بهتر است آپارتمان ها و ساختمان ها به بخش های مجزا تقسیم شوند به گونه ای که ساکنان یکدیگر را شناخته و غیرساکنان را به راحتی تشخیص دهند.
 - (۲) هر یک از این بخش ها باید طراحی مختص به خود را داشته باشد به طوری که به آن مکان هویت بخشد.
 - (۳) با ایجاد موانع واقعی و نمادین می توان از ورود غریبه ها به این مکان ها کاست و آن ها را از ارتکاب جرم باز داشت.
 - (۴) برای القاء این که فرد از فضایی بیرونی به فضایی خصوصی وارد می شود می توان از بوته ها، تغییر سطح زمین، حصارها و تغییر رنگ زمین استفاده کرد [18]

نظارت طبیعی^{۳۶}³⁴ Territoriality³⁵ Irwin Altman³⁶ Natural Surveillance

در زمینه نظارت یا مراقبت که می توان جه را بخشی از محافظت بالقوه محله یا مجموعه های مسکونی دانست، اگر مجرم تصور کند در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت اگر چه به واقع نیز این گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد شد. نظارت بر سه گونه است: غیررسمی یا طبیعی (از طریق پنجره ها)، رسمی یا سازمان یافته و مکانیکی روشنایی و دوربین مدار بسته. نظارت طبیعی و غیررسمی وقتی محقق می شود که منزل به گونه ای طراحی شود که ساکنان داخلی بتوانند به راحتی بر فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی کاملاً نظارت داشته باشند. این نظارت معمولاً از طریق پنجره ها ممکن می شود. در زمینه نظارت طبیعی می توان استراتژی های طراحی را به صورت زیر برشمرد:

- (۱) در مجتمع های مسکونی بهتر است فضایی برای جمع شدن افراد طراحی شود تا ساختمان ها را به گونه ای طراحی کنید که درهای خارجی در خیابان یا جانب همسایه ها قابل روئت باشد.
 - (۲) در چهار طرف ساختمان، پنجره نصب کنید تا میدان دید مناسب ایجاد شود.
 - (۳) فضای پارکینگ را از محل درها و پنجره قابل روئت کنید.
 - (۴) طراحی باید به گونه ای باشد که نظارت اتفاقی و تصادفی را افزایش دهد.
 - (۵) فضای بازی کودکان به نحوی طراحی شود که از ساختمان های مجاور قابل دیده باشند.
- در مجتمع های مسکونی بهتر است فضایی برای جمع شدن افراد طراحی شود تا علاوه بر تقویت تعامل اجتماعی، حس مالکیت نیز افزایش یابد [18].

روشنایی^{۳۷}

روشنایی تأثیر غیرقابل انکاری در پیشگیری از جرم دارد. روشنایی دو کار انجام می دهد؛ نخست اینکه به کسانی که ناظر یک وضعیت هستند کمک می کند که واضح تر ببینند و دیده شوند. دوم اینکه مردم را تشویق به حضور بیشتر در محیط می کند، زیرا روئیت پذیری بیشتر موجب احساس امنیت بیشتر و افزایش چشم های ناظر بر خیابان می شود معمولاً هنگامی که فرد از فضایی تاریک وارد فضایی روشن می شود احساس امنیت می کند. علاوه بر این، روشنایی می تواند با افزایش فرصت نظارت برای افراد و بالا برده قلمروگرایی در محله و القاء حس امنیت، علاوه بر کاهش جرم، بر ترس از جرم نیز غلبه کند [18].

منظرسازی^{۳۸}

چشم انداز عامل مهمی در جلوگیری از جرم می باشد و می تواند همانند یک طرح معماری به طور جامع مؤثر باشد. به عنوان یک حصار سمبلیک می تواند زون ها را از هم جدا کند. حصار تزئینی، سطوح گل، پوشش چمن و... چشم اندازهایی هستند که می توانند زون ها را تفکیک کنند. کاربرد دیگر منظر در جلوگیری از تبهکاری برانگیختن حس زیبایی است که در این صورت محیط جذاب حس غرور و مالکیت انسان را ترغیب می کند [18].

امنیت فیزیکی^{۳۹}

مشکل امنیت پروژه های ساختمانی این است که طراحان این سیستم ها با جرم و جنایت آشنا نیستند. عواقب تأسف بار این پدیده، در میزان ورود غیرمجاز جنایتکاران به واحدهای تجاری و مسکونی دیده می شود. طرح روشنفکرانه ی امنیت فیزیکی در موفقیت پروژه ها بسیار کمک می کند. عملکرد صحیح دفاع مسلحانه و رفع ضعف امنیتی از نقطه نظر ساختار معماری می تواند برخورد مؤثری با مشکلات اجتماعی آینده باشد. در برخی از منابع مفهومی به نام سخت کردن اهداف جرم (مشکل کردن هدف) از مشخصات اصلی امنیت فیزیکی به حساب می آید. سخت کردن آماج، سنتی ترین روش پیشگیری از جرم در عین حال یکی از اجزای تکنیک CPTED است. هدف از سخت کردن آماج یا اهداف جرم، افزایش امنیت فیزیکی آماج های جرم است، تا بدین وسیله کار مجرمان به هنگام ارتکاب جرم مشکل تر شود. این روش بر این فرض مبتنی است که می توان از طریق کاهش درجه

³⁷ Lighting

³⁸ Landscaping

³⁹ Physical Security

آسیب پذیری آماج هایی که فرصت ارتکاب جرم را فراهم می آورد از وقوع جرم جلوگیری کرد. از راهکارهایی که می توان در این زمینه برشمرد عبارتند از:

- (۱) درهای ورودی ساختمان موصولاً در مجتمع های مسکونی بهتر است حالت ارتجاعی داشته باشند، به نحوی که درب پس از باز شدن، خود به خود به طور مستقیم بسته می شود.
- (۲) از طریق نصب موانع فیزیکی مانند نرده، دروازه، قفل، اختار الکترونیکی و غیره می توان سخت کردن آماج را افزایش داد.
- (۳) استفاده از پوشش های سخت و غیرقابل خراش یا غیر قابل نوشتار مثل استفاده از پوشش های نانو، سنگ های سخت و مقاوم در برابر خراش و نوشتار، رنگ های تیره و غیرقابل رنگ کردن [18].

کنترل دسترسی^{۴۰}

کنترل دسترسی ها از طریق آشکار ساختن تفاوت میان دو فضای عمومی و خصوصی میزان جرم را محدود می کند. در این روش ورودی ها و خروجی ها، حصارها، نورپردازی و محوطه سازی کنترل می شود. کنترل دسترسی بر این نکته تأکید دارد که با محدود کردن دسترسی می توان فرصت ارتکاب جرم را کاهش داد. به عبارت دیگر با کم کردن ورودی مجتمع های مسکونی یا ساختمان ها به حداقل ممکن، می توان از میزان جرائم کاست. کنترل دسترسی و ورودی ها شامل راهبرد های غیررسمی یا طبیعی مانند تعریق فضاها، رسمی یا سازمان یافته مانند استخدام نگهبان یا پذیرش در ورودی ساختمان و مکانیکی مانند قفل ها و آیفون های تصویری است. راهکارهای زیر می تواند در جهت بهبود کنترل دسترسی در مجموعه های مسکونی و محیط های ساخته شده مفید باشد:

- (۱) از ابزارهایی استفاده کنید که ورودی های ساختمان های عمومی را به محض بسته شدن، قفل کنند. اجازه ندهید که بیش از چهار آپارتمان به طور مشترک از یک ورودی استفاده کنند (پیشنهاد می شود که ورودی ها اختصاصی باشند).
- (۲) زمانی که طراحی به گونه ای است که ورودی آپارتمان ها خارج از راهروی داخلی است، دسترسی به راهروها را از یک نقطه محدود کنید.
- (۳) نشانه های آدرس باید هم بر ورودی جلویی ساختمان و هم بر ورودی پشتی ساختمان قرار داده می شوند.
- (۴) ایجاد تراس و ایوان که بر طرف ورودی و کوچه دید داشته باشند.
- (۵) مناطق گیاه کاری شده می توانند اختفای لازم را برای فعالیت های مشکوک فراهم سازند. ایجاد مناظر طبیعی را نباید از پیاده روا حذف کرد. همچنین این مناظر طبیعی نباید محلی را برای اختفای متجاوزان ایجاد کنند. نحوه کاشت باید به گونه ای باشد که گیاهان بلندتر نزدیک به دیوارها و گیاهان کوتاه تر بوته ها در مجاورت پیاده روا قرار گیرند. باید از کاشت بوته های بلندتر و درختان در محدوده راهروهای مخفی، ورودی ها و پنجره ها پرهیز کرد. در پشت درختان بلند و گیاهان انبوه جرم و جنایت می تواند به سهولت صورت گیرد [18].

فعالیت پشتیبانی^{۴۱}

فعالیت پشتیبانی شامل استفاده از طراحی به منظور تشویق ساکنان در جهت استفاده و حضور بیشتر در فضای عمومی است، زیرا موجب افزایش نظارت و کنترل اجتماعی غیررسمی خواهد شد. به عنوان مثال در بلوک های مسکونی متقابل که در طول خیابان با ورودی های مجزا قرار می گیرند، بین ساکنان روابط اجتماعی قابل توجهی شکل می گیرد. در اینگونه مناطق، خیابان مسیری است که تبدیل به فضای نیمه عمومی می شود، اگر چه هرکس حق ورود به آن را دارد ولی در کنترل ساکنان است. وقتی مراقبت طبیعی از طریق پنجره های مشرف به خیابان تأمین شود و قابلیت انجام فعالیت هایی چون توقف اتومبیل در جلوی خانه، حرکت پیاده در مسیرهای کوتاه، ملاقات در تقاطع خیابان ها و تعامل اجتماعی میان ساکنان بلوک مسکونی وجود داشته باشد، محیط زندگی زنده و دوست داشتنی می شود. همچنین وجود یک فضای تفریحی یا ورزشی علاوه بر افزایش احساس تعلق به محله موجب بیشتر شدن چشم های ناظر بر خیابان، افزایش فرصت نظارت، تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی می شود [18].

⁴⁰ Access Control

⁴¹ Support Activity

بهبود کیفیت محیطی^{۴۲} (تعمیر و نگهداری)

تصور و نگهداری از فضا، براین نکته تأکید دارد که امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنان و محله های مجاور از آن فضا دارند. اگر ساکنان تصویر بدی از فضا داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد بود. این بخش از مفهوم نظریه CPTED با نظریه پنجره های شکسته رابطه تنگاتنگ دارد. یک پنجره تعمیر نشده و شکسته، خود نشانه ای از این است که هیچکس نگران نیست و بنا بر این شکستن پنجره های بیشتر هیچ گزینه ای ندارد. نگهداری نیز بر همین امر تأکید دارد. به عبارت دیگر، اگر یک مجموعه یا محله تمیز بوده، دیوار نویسی ها سریع پاک شده و هرگونه خرابی سریع تعمیر شود، این تصور در ذهن هر که ایجاد خواهد شد که این محله یا مجموعه «ملک بدون صاحب» نیست و یک تصویری مثبت ایجاد می کند [18].

جمع بندی و نتیجه گیری

احساس امنیت یکی از مهم ترین نیازهای روحی انسان و از عوامل موثر در حضور یا عدم حضور مردم در فضاهای عمومی است. امنیت اجتماعی در شهرها مفهومی است که تمامی شهروندان در سلسله مراتب ارزشی خود آن را از بالاترین ارزش ها می دانند. امنیت یکی از مهم ترین شاخص های سنجش مطلوبیت فضاهای شهری و کیفیت زندگی است. محیط نقش مهمی را در وقوع ناهنجاری های اجتماعی در فضاهای شهری ایفا می کند. فضاها با توجه به ویژگی هایشان می توانند عامل ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم باشند. در واقع محیط می تواند با ایجاد فرصت برای ارتکاب جرم، مجرم را تشویق به ارتکاب و یا از طرف دیگر با افزایش قابلیت نظارت ساکنان از وقوع جرم پیشگیری کند. برخی ویژگی های فیزیکی محیط های شهری مانند نمای بیرونی ناموزون ساختمان ها، پنجره های شکسته، ساختمان های متروکه و رها شده، املاک بدون مالک و متولی، پل های هوایی پوشیده با تبلیغات شرایطی را ایجاد می کنند که باعث افزایش احتمال ارتکاب جرم و ایجاد ناامنی می شود. می توان سه عامل اساسی که امکان ارتکاب جرم را در فضاها افزایش می دهد، بیگانگی، عدم وجود نظارت و دسترس بودن راه فرار دانست. تبیین ویژگی های کالبدی شهر به گونه ای که عاملی موثر در کاهش جرائم باشد، موضوع مستقل و با اهمیتی است که در قابل تئوری های نوین شهرسازی بدان اشاره می شود که بایستی مفاهیم، اصول و استراتژی های مربوط به آن مورد توجه قرار گیرد. کیفیت کالبدی یک فضای عمومی با نحوه دسترسی، موقعیت، آسایش، فیزیولوژی در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت در ارتباط است. بنابراین اصول اساسی CPTED شامل قلمروهای طبیعی، کنترل دسترسی، نظارت طبیعی، حمایت از فعالیت های اجتماعی و تعمیر و نگهداری است. با توجه به این اصول وجود عناصر طبیعی در فضاهای عمومی که سبب افزایش هیجان، سرزندگی محیط و دعوت عابرین به این فضاها می گردند نیز در این میان حائز اهمیت اند. عناصری چون یادمان ها، پله ها، آب نماها و سایر عوامل موثر در تشویق انسانها به حضور و تعامل در فضا در زمره عوامل تاثیرگذار بر ارتقا جنبه های کالبدی فضاها محسوب می شود. در طراحی فضایی چه در سطح شهر و یا در حد پلان ساختمان ها باید از طراحی فضا به گونه ای که امکان نظارت عمومی را کاهش دهد یا نحوه دسترسی به این مناطق جرم خیز را افزایش می دهد، جلوگیری شود. دسترسی به فضاهای عمومی می تواند به عنوان یکی از متغیرهای اصلی در قالب بعد کالبدی، قلمرو عمومی مورد بررسی قرار گیرد. در واقع مکان هایی با دسترسی زیادتز منجر به داشتن جرم هایی با سرعت پایین تر می گردد. در این میان باید توجه داشت که علاوه بر نقش طراحان و برنامه ریزان شهری که با توجه به ظرفیت ساخت و ساز محیط برای کاهش ترس از جرائم و کاهش پتانسیل های تخلف در محیط اقدام به طراحی و برنامه ریزی شهری می کنند، ایجاد نظارت شهروندی در سطوح محلات مسکونی شهر را باید مهمترین اصل در جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی دانست.

⁴² Quality environments/ Image and maintenance

منابع و مراجع

- [۱] حافظ نیا، م، ۱۳۸۸، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات سمت
- [۲] ادیبی سعدی نژاد، ف، عظیمی، الف، ۱۳۹۰، تبیین امنیت در محیط شهری برمبنای پارامترهای کالبدی و طراحی (مورد شهر بابلسر)، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۰۵-۸۱، ۱۳۹۰.
- [۳] بهیان، ش، فیروزآبادی، الف، ۱۳۹۲، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهرها (مطالعه ی موردی: کرمان)، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۲۲-۱۰۳، ۱۳۹۲.
- [۴] پاک نژاد، ن، ۱۳۹۳، برنامه ریزی فضاهای امن شهری با رویکرد CPTED (نمونه موردی محله آبک گلابدره واقع در منطقه یک شهرداری تهران)، نشریه ی معماری و شهرسازی هفت شهر، دوره ۴، شماره ۴۸-۴۷، صص ۶۹-۵۸، ۱۳۹۳.
- [۵] خلقت دوست، ر، زمانی مقدم، الف، شمس آبادی، ط، ۱۳۹۲، رابطه ی سازمان فضایی و نفوذ پذیری شهر با میزان امنیت اجتماعی از نظر شهروندان بر اساس مدل CPTED (مطالعه ی موردی: شهر کرج)، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۷۲-۵۹، ۱۳۹۲.
- [۶] نیازی، م، سهراب زاده، م، فرشادفر، ی، ۱۳۹۰، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت زنان (مطالعه ی موردی: زنان ساکن در مناطق ۱ و ۲ تهران و مناطق ۱۹ و ۲۰ جنوب تهران)، فصلنامه ی مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ی جدید، شماره ی ۲۷، پاییز ۱۳۹۰، صص ۷۲-۴۵.
- [۷] رزمی، ح. ر، انصاری، ن، ۱۳۹۷، بررسی نقش امنیت در محیط های مسکونی بر پایه رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPTED)، کنگره بین المللی علوم و دانش، سیدنی، استرالیا، مرداد ماه ۱۳۹۷.
- [۸] ذبیحی، ح، لاریمیان، ت، پورانی، ح، ۱۳۹۲، ارائه مدل تحلیلی برای ارتقاء امنیت شهری از طریق رویکرد امنیت طراحی (SBD) (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری تهران)، مطالعه و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۹۲.
- [۹] کلانتری، م، حیدریان، محمودی، ع، ۱۳۹۰، ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی، فصلنامه دانش انتظامی، دوره دوازدهم، شماره ۳، صص ۷۴-۵۱، ۱۳۹۰.
- [۱۰] لطفی، صدیقه؛ مراد نژاد رحیم بردی، آنا و واحدی، حیدر، ۱۳۹۴، ارزیابی مؤلفه های کالبدی فضاهای عمومی و تأثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابلسر، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره چهارم، شماره ۹، صص ۱۵۲-۱۳۱، ۱۳۹۴.
- [۱۱] صدیق سروستانی، ر. الف، نصر اصفهانی، الف، ۱۳۹۰، مطالعه ی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله های شهری (مطالعه محله ای در منطقه ۵ شهر تهران)، فصلنامه مسائل اجماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۷۶-۴۹، ۱۳۹۰.
- [۱۲] پورجعفر، م. ر، محمود نژاد، ه، رفیعیان، م، انصاری، م، ۱۳۸۷، ارتقای امنی محیطی و کاهش جرائم شهری با تأکید بر رویکرد CPTED، نشری بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ویژه نامه مهندسی معماری و شهرسازی، جلد ۱۹، شماره ۶، سال ۸۷، صص ۷۳-۸۲، ۱۳۸۷.
- [۱۳] غفاری، ع، نعمتی مهر، م، عبدی، س، ۱۳۹۲، تکامل رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPTED) در محیط های مسکونی، فصل نامه مسکن و محیط روستا، دوره سی و دوم، شماره ۱۴۴، صص ۱۶-۳، ۱۳۹۲.
- [۱۴] مستوفی الممالکی، ر، بهرامی، ف، ۱۳۹۳، بررسی راهکارهای پیشگیری محیطی از جرم با استفاده از رویکرد CPTED، فصلنامه دانش انتظامی خراسان رضوی، دوره ششم، شماره ۱۳۴-۹۱، صص ۲۴، ۱۳۹۳.

- [۱۵] میر غلامی، م، شکرانی دیزج، م، صدیق فر، الف، موسویان، م، ۱۳۹۶، بررسی میزان امنیت مجتمع های محصور با استفاده از روش تعیین ضریب مکانی و کانون های جرم خیز (مطالعه موردی: شهرارومیه)، فصلنامه مطالعات شهری، دوره چهارم، شماره ۱۶، صص ۵۵-۶۶، ۱۳۹۶.
- [۱۶] فرجی راد، خ، علیان، م، چراغی، ر، ۱۳۹۵، تحلیل شاخص های اثر گذار بر ارتقای امنیت محیطی در بافت تاریخی شهر یزد، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره نهم، شماره ۳، صص ۱۴-۲۵، ۱۳۹۵.
- [۱۷] رحیمی، ل، پیربایی، م. ت، ۱۳۹۲، نقش سازماندهی فضایی و ادراکی خیابان در احساس امنیت عابرین، نشریه هویت شهر، شماره ۱۶، ۱۳۹۲.
- [۱۸] صالحی، الف، ۱۳۸۷، ویژگی های محیطی فضاهاى شهری امن، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.